

# امام صادق علیه‌السلام در یک نگاه

حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محدثی

پیشوای ششم شیعه، امام جعفر بن محمد حضرت صادق‎<sup>(ع)</sup> در ۱۷ ربیع‌الاول سال ۸۳ در مدینه متولد شد. در دوران حیاتش با هشت نفر از خلفای اموی و عباسی معاصر بود: از جمله هشام، ولید، عبدالملک، سقاح و منصور دوانیقی.

امام صادق‎<sup>(ع)</sup> با استفاده از شرایط حکومت متزلزل امویان و نوپایی خلفای عباسی، اقدام به نشر علوم و احادیث کرد، تا حدی که به‌جهت گسترش مکتب شیعه در زمان آن‌حضرت، این مذهب به‌نام «مذهب

#### • اخلاق والا

امام صادق‎<sup>(ع)</sup> به بهترین صفات نیک و خصلت‌های والا آراسته بود. علم و حلم و عبادت و پارسایی و رسیدگی به محرومان و سرپرستی فقیران بنی‌هاشم و کمک به مستمندان دیگر، همچنین برخورد شایسته با همه، حسن خلق، عطا و بخشش، از صفات بارز آن امام همام‎<sup>(ع)</sup> بود.

با برخورد حلیمانه و حکیمانه با دشمنان کینه‌توز و نیکی و احسان در مقابل بدرفتاری‌هایشان، آنان را به تغییر موضع و رفتار وامی‌داشت. عمری در نهایت مناعت طبع و تواضع و عزت زندگی کرد. مزرعه‌ای داشت و در آن کار می‌کرد و این کار را از بهترین عبادات می‌دانست و از این راه، زندگی خود و خانواده را تأمین می‌کرد.

#### • میراث علمی

صادق آل‌محمد‎<sup>(ع)</sup> با بیانی بلیغ و کلامی فصیح، زبان رسای اسلام بود؛ علم‌گستر و شاگردپرور، نورافشان و راهنما، احیاگر مکتب و مفسر قرآن.

چهار هزار قلم درکف راویان و اصحاب، حکمت و حدیث و فقه را از زبان او بر صفحات کتاب‌های می‌نگاشتند و شاگردانش هرجا می‌رفتند، «قال الصادق»گویان، نور آن احادیث را در ظلمت‌های تاریخ می‌افشاندند و دل و جان‌ها را سیراب می‌ساختند.

ده ها هزار حدیث، در منابع روایی، میراث گران‌قدری است که از آن‌حضرت به یادگار مانده است. امروز، حوزه‌های علمیه، مراجع و علمای دین، مبلغان مکتب و پیروان اهل‌بیت‎<sup>(ع)</sup>، همه و همه سر سفره دانش آن‌حضرت نهومند می‌شوند.



#### • برجستگی نهضت تولید علم در زندگی امام صادق‎<sup>(ع)</sup>

دوران امامت سه امام بزرگوار پس از واقعه عاشورا، یعنی امامان سجاد، باقر و صادق‎<sup>(ع)</sup> را می‌توان دوره تبیین فکری، علمی و فرهنگی اسلام ناب دانست. امام سجاد‎<sup>(ع)</sup> با تلاش علمی خود و نیز با بهره‌گیری از قالب مناجات و دعا، به بازسازی پایه‌های اسلام ناب پرداختند. در ادامه حرکت ایشان، امام باقر‎<sup>(ع)</sup> هندسه و چهارچوب اسلام اصیل نبوی و علوی را با اصول و فروع دین تبیین نمودند و سپس امام صادق‎<sup>(ع)</sup> پایه‌های دین را بر آن بنا نهادند و مرجعیت علمی، دینی و سیاسی ائمه‎<sup>(ع)</sup> را تثبیت کردند. امام در علوم مختلف شاگردانی را تربیت کرد. شیخ طوسی‎<sup>(ع)</sup> الله این تعداد را ۳۱۹۷ مرد و ۱۲ زن می‌داند که بیان اسامی از حوصله این متن خارج است.

#### • چرایی پرداختن امام صادق‎<sup>(ع)</sup> به نهضت علمی

تمدن دو جنبه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دارد. هم به تولید علم نیاز است و هم به تغییر سبک زندگی. اسلام به دنبال حیات طیبه است. هم به آبادانی دنیا توجه کرده است و هم به آخرت. امام صادق‎<sup>(ع)</sup> در روایتی می‌فرمایند: «لَا تُطِيبُ الشَّكْنَى إِلَّا بِكَلَامِ الْهُوَاءِ الطَّيِّبِ وَالْمَاءِ الْغَرِيبِ الْعَذْبِ وَالْأَرْضِ الْخَوَّارَةِ» (تحف‌المعقل، النص، ص۳۳۰)؛ سه امر است که زندگی مردم بدون آن سه امر گوارا نیست: داشتن هوای سالم، داشتن آب فراوان، داشتن زمین نرم و آماده کشت و کار.

افا امام زیر بنای تمدن را این‌گونه بیان می‌کنند: «لَايُسْتَعْنَى أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثٍ يُفَعَّرُ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَأَخْرَجَتْهُمْ فَإِنْ عَدِمُوا ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا فَقِيَهُ عَالَمٍ وَزَجَّ قَامِيرٍ خَيْرٍ مُطَاعٍ وَطَيبٍ بَصِيرٍ فَقَةً» (همان، ص ۳۳۱)؛ اگر یک ملت از راهنمایی فقیه عادل برخوردار نباشد، اگر یک ملت از داشتن فرمان‌روایان مهربان و خیرخواه محروم بود، اگر یک ملت از داشتن اطبای حاذق مورد اعتماد محروم بود، آنها از سعادت و تمدن سهمی ندارند.

در واقع امام در این سخنان برای تأمین جنبه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تمدن بر این نکات تأکید می‌کنند: باید دنیای مردم تأمین شود و در رفاه باشند (با محیط زیست مناسب و تأمین بهداشت و امنیت و…)؛ که این با امام و راهبری بینا و امیری عادل محقق می‌شود؛ بنابراین برای رسیدن به تمدن، نیاز به تشکیل حکومت اسلامی است. این دو همان دو محور امت و امام برای تشکیل تمدن اسلامی است؛ اما یک ضلع مهم دیگر تمدن، «علم» است و اساساً علم رکنی که در دستیابی به محیط زیست مناسب و در تشکیل حکومت و راهبری امت و پیش‌گیری از دردها و درمان آنها نقش مهمی دارد. از این جهت امام علی‎<sup>(ع)</sup> فرموده‌اند: «العلم سلطان، من وَجَدَهُ صَالٍ بِهِ، وَفَنَ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلٍ عَلَيْهِ»؛ دانش، سلطنت و قدرت است؛ هر که آن را بیابد، با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد، بر او یورش برند. (شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹)

## نهضت تولید علم در زندگانی امام صادق علیه‌السلام

حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم ترخان

همزمان با شهادت رئیس مکتب تشیع، حضرت امام جعفر صادق‎<sup>(ع)</sup> گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم ترخان



#### ۱. مبارزه با عقاید و فرقه‌های انحرافی

تا این‌جا به نقش علمی علمای دیرباری در حکومت‌داری حاکمان ظلم اشاره کردیم. از طرفی می‌دانیم که دوران امام صادق‎<sup>(ع)</sup> دوران فرقه‌ها، نحله‌ها، دانش‌ها و عالمان دروغین نیز بود. پیدایش علوم انحرافی و فرقه‌های گمراه‌کننده در جامعه اسلامی، خطر بزرگی بود که اصل اسلام را تهدید می‌کرد. مبارزه حضرت با این تفکرات و دانش‌های انحرافی به‌همین دلیل بود که حکومت از آنها حمایت می‌کرد؛ وگرنه خود آنها نمی‌توانستند، این قدر در جامعه به تبلیغ بپردازند. دلیل حمایت حاکمان غاصب نیز مشخص است. بنی‌عباس برای از بین بردن فضائل اهل‌بیت‎<sup>(ع)</sup> و مخدوش کردن چهره آنان، از این‌گونه علوم و افکار انحرافی حمایت می‌کردند. تا جایی که حتی زناده نیز، با حمایت دربار به تبلیغ کفر و الحاد می‌پرداختند. برخی از این فرقه‌ها و علوم عبارت بودند از: (مرجئه) قائلان به کفایت ایمان بدون عمل، (زنادقه) ملحدان و بی‌دینان، (غالیان) قائلان به اولوئیت ائمه‎<sup>(ع)</sup>.

#### ۲. خارج کردن «علم» از دست غاصبان قدرت

تلاش امام‎<sup>(ع)</sup> این بوده است که با تحریف مبارزه کند. مبارزه با تحریف درحقیقت بریدن شاهرگ دستگاه خلافت است؛ دستگاهی که جز با تکیه بر دین انحرافی، توان ماندنش نیست.

این چنین است که امام صادق‎<sup>(ع)</sup> با درک دقیق اوضاع و بصیرت کامل، به نهضت علمی روی آوردند و برای این‌که حکومت خود را بنا کنند، باید ابتدا حکومت کفر را ساقط کنند و از آنجایی که «قدرت علم»، یکی از اضلاع و پایه‌های مهم حکومت ستمگران بود، امام صادق‎<sup>(ع)</sup> با روی‌آوری به نهضت علمی، علاوه بر اینکه به این ضلع از حکومت جور

مدتی از عمر شریف آن‌حضرت نیز در عراق گذشت و آنجا هم به نشر دانش می‌پرداخت. بسیاری از عالمان اهل‌سنت، از جمله ابوحنیفه، نیز شاگرد او بودند. در کتب حدیث، ده‌ها هزار روایت از ایشان نقل شده است که در زمینه مسائل فقهی، کلامی، تفسیری، اخلاقی از گنجینه‌های ارزشمند معارف اهل‌بیت‎<sup>(ع)</sup> به‌شمار می‌رود.

خلفای عباسی از موقعیت ممتاز آن‌حضرت پیوسته در هراس بودند و گاه و بی‌گاه مأموران خود را برای خانه‌گردی و دستگیری او می‌فرستادند. سختگیری‌ها و آزارهای خلفای جور، برای آن امام معصوم‎<sup>(ع)</sup> و شیعیانش محدودیت‌هایی ایجاد کرده بود، ولی همواره آن‌حضرت توانست، در آن عصر خفقان، پرچم هدایت‌گر اهل‌بیت‎<sup>(ع)</sup> را برافراشته نگه دارد و مکتب پرپار علمی، فقهی و اخلاقی خاندان رسالت را ترویج کند.



عظیم شیعه و ضرب و شتم شاگردان مکتب امام صادق‎<sup>(ع)</sup> در سال ۱۳۴۲ ش.

در آن روز، مظلومیت «عزت» و «روحانیت» پیوند خورد و عزاداران اشک‌ریز در سوگ شهادت پیشوای مذهب‎<sup>(ع)</sup>، بر فاجعه‌ای دیگر هم اشک ریختند و داغدار شدند. عاقبت، آن گریه‌ها خشم شد و خشم‌ها شعله کشید. از آن اشک‌ها سیلی عظیم به راه افتاد و بنیان رژیم پهلوی را دنوردید. قیام مقدس امام امت‎<sup>(ع)</sup> به ثمر نشست و در کشور امام صادق‎<sup>(ع)</sup> نظام اسلامی و ولایت فقیه جلوه‌گر شد و فرهنگ شیعه، پس از قرن‌ها در اوج عزت و افتخار در سطح جهان نورافشان گشت.

امروز، هر جای شیعه‌ای است، «جعفری» است و آن امام مظلوم، پیشوای صادقان و صادقی امامان است، صادق آل‌محمد‎<sup>(ع)</sup>!

می‌تاختند، زمینه تشکیل حکومت‌شان بر پایه قدرت علمی اسلامی را نیز مهیا می‌ساختند.

امام صادق‎<sup>(ع)</sup> با گستردن بساط علمی و بیان فقه و معارف اسلامی و تفسیر قرآن به‌شیوای غیر از شیوه عالمان وابسته به حکومت، عملاً به معارضه با آن دستگاه برخاسته بود. آن‌حضرت بدین‌وسیله تمام تشکیلات مذهبی و فقاقت رسمی را که یک ضلع مهم حکومت خلفا به‌شمار می‌آمد، تخطئه می‌کرد و دستگاه حکومت را از بُعد مذهبی‌اش تهیدست می‌ساخت.

#### ج)تشکیلات پنهانی

امام صادق‎<sup>(ع)</sup> در میان این هزاران هزار انسانی که به ایشان معتقد و علاقه‌مند بودند، جمع کوچکی را در قالب تشکیلات پنهانی و مخفی به وجود آورده بود؛ جمع شیعیان مخلص و فداکار. آنهایی که اسرار امام صادق‎<sup>(ع)</sup> دست آنهاست، آنهایی که اگر پادشاهان و امرا آنها را می‌شناختند، با بدترین وضع به شهادت می‌رساندند و در میان یاران امام صادق‎<sup>(ع)</sup> کسانی هستند که با همین وضع، با شدت، در زیر شکنجه جان سپردند، بدون این‌که حاضر باشند، کلمه‌ای از اسرار امام صادق‎<sup>(ع)</sup> را بیان کنند. اینها آن جمع شیعیان خاص و اصحاب نزدیک بودند. البته این جمع از زمان امیرالمؤمنین‎<sup>(ع)</sup> سابقه دارد؛ از بعد از شهادت امیرالمؤمنین‎<sup>(ع)</sup> و از هنگام صلح امام حسن‎<sup>(ع)</sup> با معاویه، نشانه‌های این جمع منسجم که دور انمه را می‌گرفتند و کارهای دشوار و حساس را انجام می‌دادند، وجود دارد تا زمان حسین‌بن‌علی‎<sup>(ع)</sup> و بعد در زمان امام سجاد و امام باقر‎<sup>(ع)</sup>؛ اما گسترش این جمع در زمان امام صادق‎<sup>(ع)</sup> بود.

البته امام صادق‎<sup>(ع)</sup> در رابطه با این جمع با کمال تقیه رفتار می‌کرد. دائماً به آنها سفارش می‌کرد که اسرار او را برملا و افشا نکنند. بعضی تصور می‌کنند، اسرار امام صادق‎<sup>(ع)</sup> آنهایی است که مثلاً به معلی‌بن‌خنس یا دیگران می‌فرماید: «اینها که اسرار الهی است». «اسرار الهی را امام صادق‎<sup>(ع)</sup> چرا باید مخفی کند؟ اسرار الهی، احکام فقه و معارف گوناگون در امام صادق‎<sup>(ع)</sup> برملا و پخش می‌کرد؛ اما یک چیزهایی هم وجود داشت که آنها را نباید کسی می‌دانست؛ آنها همان چیزهایی بودند که در دل شیعیان نزدیک امام صادق‎<sup>(ع)</sup>، این امید را به وجود آورده بود که امام صادق‎<sup>(ع)</sup> قائمی است که قیام خواهد کرد و حکومت علوی را و حکومت آل‌محمد‎<sup>(ع)</sup> را برقرار خواهد ساخت و امام صادق‎<sup>(ع)</sup> در این مبارزه طولانی، توفیقات زیادی داشت.

بعضی تصور می‌کنند که امام صادق‎<sup>(ع)</sup> به سیاست کاری نداشت، علیه دستگاه فعالیت نمی‌کرد و در صدد ایجاد حکومت الهی و علوی نبود؛ این خطاست که متأسفانه مشاهده می‌شود که با این‌که این قضیه بارهاگفته شده و اهل فضل و فن، باید دنبال کنند و بروند، مدارک را ببینند و به نکات توجه کنند و البته این کار هم انجام می‌گیرد به‌وسیله عده زیادی از صاحبان ذوق سلیم؛ اما باز گوشه و کنار کسانی پیدا می‌شوند که در نوشته‌ها و گفته‌های خودشان، به این نکته توجه نمی‌کنند که امام صادق علیه‌الصلاة والسلام، ماهیت مبارزه‌اش یک ماهیت سیاسی بود، کار فرهنگی او هم، کار سیاسی بود. وقتی امام صادق‎<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: من امامم، امام یعنی چه؟ امام یعنی حاکم جامعه، امام یعنی رئیس جامعه؛ یعنی من همان کسی هستم که این خلیفه غاصب بی‌دین، جای مرا گرفته. خب این حرف آیا یک حرف سیاسی است یا یک حرف فرهنگی است؟ کارهای فرهنگی باید به‌تناسب شرایط و مقتضیات زمان صورت گیرد. اهل‌بیت‎<sup>(ع)</sup> به این امر توجه داشته و الگوی مناسبی از این جهت برای ما هستند.